

سال «رفتار علوی» و سرکوب آزادیخواهان

یا ایها الذین امنوا لم تقولون ما لاتفعلون کبر مقتاً عندالله ان تقولوا

ما لاتفعلون

ای کسانی که ایمان آوردید چرا چیزی را می‌گوئید که به آن عمل

نمی‌کنید. گناه بزرگی است نزد خدا اینکه چیزی را بگوئید که به آن

عمل نمی‌کنید. (صف - ۲ و ۳)

مقام رهبری امسال را «سال رفتار علوی» اعلام نمودند. سال گذشته نیز «سال امام علی(ع)» خوانده شده بود.

سال گذشته در حالی به پایان رسید که مطبوعات مستقل مردمی بطور فله‌ای تعطیل شده و روزنامه‌نگاران، نویسندگان، اندیشمندان آزاده و فعالین سیاسی به بند کشیده شدند. گردهمایی‌های مسالمت‌آمیز و قانونی دانشجویان و خوابگاه‌های آنان مورد تهاجم واقع شده و نمایندگان مردمی مجلس مورد تهدیدهای فراوان قرار گرفتند. وابستگان به مراکز قدرت با استفاده از روابط و امکانات به غارت اموال عمومی و رانت‌خواری در ابعاد بی‌سابقه ادامه داده و بر عمق اختلاف طبقاتی بسی بیافزودند. سال جدید نیز با حمله گسترده به نیروهای ملی-مذهبی و اعضای نهضت آزادی و تعطیل بیشتر مطبوعات و حادثه آفرینی‌های جدید آغاز گردید. با چنین پیش‌درآمدی و آن سابقه ذهنی، مردم دردمندانه می‌پرسند: آیا «سال رفتار علوی» باید با چنین حوادثی آغاز گردد؟

از آن جایی که ملت مظلوم و صبور و تشنه عدالت ایران عشق و علاقه ویژه‌ای به امام‌المتقین علی(ع) دارد، مقایسه‌های میان سیره امیرالمؤمنین علی(ع) و عملکرد حاکمان می‌تواند آموزنده باشد و موجب افزایش سطح آگاهی همگان گردد.

۱- جایگاه غیرت دینی

یکی از شاخصه‌های برجسته رفتار علوی چگونگی تحمل مخالفین، تساهل و تسامح با دگراندیشان فکری و سیاسی است. اما تقدیس‌کنندگان و نظریه‌پردازان شناخته شده خشونت که بیش از همه سنگ «ولایت» و حمایت از حاکمیت روحانیت را به سینه می‌زنند همواره حذف فیزیکی دگراندیشان را تبلیغ می‌کنند و رسماً و علناً از تریبون‌های نمازجمعه و مساجد زیر سلطه، جوانان ساده‌لوح مذهبی را به «غیرت دینی» به معنای معدوم ساختن مخالفین سیاسی خود یا کسانی که قرائت دیگری از دین نسبت به نظریات سنتی حوزوی دارند تحریک و تشویق می‌نمایند. در حالیکه امیرالمؤمنین «غیرت دینی» را در حمایت از نه تنها دگراندیشان سیاسی و دینی، بلکه اهل ذمه که تحت مراقبت دولت اسلامی باید مصون و محفوظ از

تعرض باشند، سراغ می‌دهد و از اینکه سربازان معاویه بر زنی یهودی که دفاع از حقوق شهروندی و حفظ امنیت او بر عهده مسلمانان بوده حمله برده و جواهرات او را غارت کرده‌اند، می‌فرماید:

«به خدا قسم اگر مسلمانی پس از شنیدن این خبر (از تأسف و ننگ بی‌غیرتی در ناتوانی دفاع از تحت‌الحمایه‌ها) بمیرد، نه‌تنها ملامتی بر او نیست، بلکه به قضاوت من شایسته است که بمیرد.» (خطبه ۲۸)

این رفتار علوی مترقی‌ترین شاخصه و معیار توسعه سیاسی است. اصولاً در همه جای دنیا امنیت و آزادی را با میزان رعایت حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های سیاسی و مذهبی مخالف محک می‌زنند. به عبارت دیگر معیار وجود آزادی و امنیت، برخورداری دگراندیشان و منتقدین حاکمیت از حقوق و آزادیهای اساسی است. در هر نظامی هواداران و موافقین حاکمیت معمولاً از تمامی امکانات برخوردارند.

۲- حمایت از حقوق مخالفین

در نظام جمهوری اسلامی ایران، نه منکرین دین و مذهب، بلکه مسلمانانی که سالیان دراز در راه استقلال، آزادی و ارزش‌های اسلامی تلاش کرده و با تحمل زندانهای متعدد و طولانی و محرومیت‌های متنوع، در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و به راه‌انداختن اولیه آن نقش اساسی داشته‌اند، به راحتی و با اتهامات واهی قبل از محاکمه و اثبات جرم به سلول‌های انفرادی مخفی و مستور از نظارت و اطلاع دولت و سازمان زندانها سپرده می‌شوند و در حکومت علی(ع) مخالفین سیاسی او که بصره را به اصطلاح امروز پایگاه ضد انقلاب و مرکز تجمع نیروهای ضدحکومتی کرده بودند، می‌توانستند مادام که عملاً دست به تهاجم نظامی نزده‌اند، هرگونه فعالیت سیاسی مخالف داشته باشند. شگفتا علی(ع) پسر عم خود «عبدالله ابن عباس» فرماندار بصره را از اینکه نسبت به مخالفین سیاسی درشتی و بدرفتاری کرده و با القاب و برچسب‌های سیاسی آنها را مورد تحقیر قرار داده و «حزب عسگر» (شتر عایشه) نامیده است، شدیداً توبیخ می‌نماید و با اشاره به فضائل و ارزش‌های مثبت آنان، فرماندار خود را از تحریک و تحقیر مخالفین بازداشته و می‌فرماید:

«ای ابوعباس، خدا تو را از آنچه از دست و زبانت جاری شده بیامرزد که من و تو در این امر شریک (مسئول و موظف) هستیم. چنان باش که گمان من به تو نیکو باشد و نظرم را درباره خودت سست نکن.» (نامه ۱۹ نهج البلاغه).

۳- مدارا با مشرکین

البته چنین نبوده است که علی(ع) تنها نگران حقوق و آزادیهای دینداران مسلمان و اهل کتاب بوده باشد، حساسیت شدید او را نسبت به حقوق همه شهروندان در نامه هشدارآمیزی که به فرماندار دیگرش، که غلظت و قساوت و تحقیر و جفائی در حق مشرکین مرتکب شده بود، می‌توان دریافت. تنها به همین دلیل که براساس «عهد» و پیمان (یعنی قانون اساسی و میثاق ملی) در پناه دولت اسلامی قرار داشتند، باید مورد مراقبت قرار می‌گرفتند و منزلت انسانی آنان و کرامت و احترامشان رعایت می‌شد. حضرت علی به نامه شکایت‌آمیز آن مشرکین این چنین مؤثر و قاطعانه پاسخ داده است، آیا انتظاری نابجا و ناروا است اگر مظلومان و مورد اتهامات واهی قرارگرفتگان در نظام جمهوری اسلامی و خانواده‌های اسیران دربند پاسخی برای یکی از دهها نامه دادخواهی خود به قوه قضائیه و مقامات مسئول دریافت دارند و یا برای

یکبار هم که شده ببینند شاهین ترازوی عدالت به سمت غیرخودها میل کرده است. در جمهوری اسلامی سخنگویان و مبلغین خط خشونت با صراحت اعلام می‌کنند هر کس با نظر و عقیده و قرائت ویژه ما از دین موافق نیست، باید این کشور را ترک کند. این تکرار همان سخن محمدرضا شاه در مورد عضویت اجباری در حزب رستاخیز است. اینان چرا عبرت نمی‌گیرند؟

۳- برجسب و بهانه براندازی

علی(ع) با نگرانی از عواقب انتقام‌گیری از ضارب خود به بازماندگانش هشدار می‌دهد:

«مبادا تحت لوای شعار امیرالمؤمنین کشته شد، امیرالمؤمنین کشته شد، به جان مسلمانان افتاده و خون

آنان را بریزید.»

رعایت انصاف و عدالت را درباره «ابن ملجم» و خوارج در واپسین لحظات حیات خود، که قاعدتاً برای هر فردی کینه و خونخواهی غلبه می‌کند، مورد تأکید قرار می‌دهد. اما در جمهوری اسلامی کسانی که از مجاری مسالمت‌آمیز قانونی در صدد اصلاح حاکمان و انتقاد به عملکردهای خلاف قانون آنان بوده و جز جنگ «حجت» و حق طلبی هرگز جنگ قدرتی با حاکمان نداشته‌اند، به سادگی مورد تهاجم قرار می‌گیرند و به بهانه «براندازی» و تلاش برای نفوذ و تأثیرگذاری؟ و ایجاد اختلاف میان مسئولان به سلول‌های انفرادی روانه می‌شوند. علی(ع) می‌فرماید مبادا به بهانه قتل من به جان مسلمانان بیافتید. ولی در مملکت ما به اتهام واهی براندازی خاموش یا براندازی قانونی به جان جمعیتی می‌افتند که به عنوان یک امت واسط و شاهد در عمر چهل ساله خود از زمان تأسیس، همواره بر شیوه‌های مسالمت‌آمیز قانونی تکیه داشته و از حرکت‌های خشن و تخریبی احتراز کرده است.

۵- مردم‌سالاری صادقانه

علی(ع) آنچنان عمیقانه به مردم‌سالاری و حاکمیت آراء ملت معتقد بود که در ماجرای نبرد با سپاه معاویه برغم تشخیص و نظر خود تسلیم تصمیم اکثریت سپاه برای تمکین به «حکمت» می‌شود و حتی در تعیین نماینده برای مذاکره با دشمن، به جای انتصاب فردی از نزدیکان خود، به عنوان «نماینده رهبری»، نه تنها از سپاهیان می‌خواهد خود نماینده‌ای برگزینند، بلکه پس از انتخاب «ابوموسی اشعری» که از سرشناس‌ترین مخالفان او بود، هرگز متوسل به حکم حکومتی و حق وتوی ولایتی نمی‌گردد. آیا آراء سنگین مردم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا در حمایت از اصلاح‌طلبان و اعراض از عملکردهای تمامیت‌طلبانه جناح انحصارطلب، که در اقلیت آشکاری قرار دارد، پند و پیامی برای مدعیان پیروی از ولایت امیرالمؤمنین ندارد؟ ممکن است کسانی که به قول خودشان به «دیکتاتوری صلحاء» اعتقاد دارند و کماکان ادعا می‌کنند مردم صغار هستند و همانند مهجورین و ایتام نیازمند ولایت و سرپرستی می‌باشند حاکمیت تحمیلی بر مردم را به رغم تمایل آنها تجویز نمایند. اما علی(ع) خطاب به مخالفین خود می‌فرماید:

«آیا می‌پندارید من به آنچه شما را (مقتدرانه) اصلاح کند ناآگاهم؟ چنین نیست، بلکه اکراه دارم که با فساد

کردن خود (دیکتاتوری بخرج دادن) شما را اصلاح نمایم.»

در جایی دیگر خطاب به سپاه نافرمان خود می‌فرماید:

«شما بقا را می‌پسندید (از کشته شدن در صحنه جهاد می‌هراسید) و سزاوار من نیست که شما را به چیزی که از آن کراهت دارید وادار کنم.» (خطبه ۱۹۹)

۶- تشویق به انتقاد تلخ و گزنده

علی(ع) هنگامیکه «مالک اشتر» را برای اداره سرزمین پهناور مصر گسیل می‌دارد، به جای توصیه به گزینش کارگزاران و وزرای مطیع و مقلد و گوش به فرمان و ذوب در رهبری، تأکید می‌فرماید:

«باید برگزیده‌ترین وزرای تو کسی باشد که تلخ‌ترین سخن حق را به تو می‌گوید و کمترین مساعدت و یآوری را در مواقعی که کاری از تو سر می‌زند که خداوند از اولیانش کراهت دارد به تو داشته باشد.»

آیا وزرای از غربال گذشته جمهوری اسلامی همچون عبدالله نوری‌ها و کارگزاران و شخصیت‌های شناخته شده دیگری که با انتقاد و حقوقی نسبت به انحرافات حاکمان در زندان‌ها بسر می‌برند، با آنان مطابق «رفتار علوی» عمل شده و می‌شود؟

۷- استقبال از انتقاد بر رهبری

از اولین کارهائی که حضرت علی پس از پذیرش خلافت می‌نمایند، دعوت مردم به مراقبت از عملکرد دولت و تشویق و تحریض آنها به انتقاد از رهبری می‌باشد. می‌فرماید:

«مبادا تصور کنید که اگر انتقاد برحق بر من وارد سازید دشوارم می‌آید و سخت آن را تحمل می‌کنم. بی‌گمان کسی که تحمل شنیدن حرف حق و مطالبه عدالت را نداشته باشد قطعاً عمل به حق و عدالت بر او دشوارتر خواهد بود. پس مبادا از حقوقی که من یا مشورت عادلانه دست بردارید. چرا که من بنظر خویش مصون از خطا نیستم و از افعال خویش ایمن نمی‌باشم، مگر آنکه خدا مرا نکه دارد که او از من به خودم مالکتر است.»

آیا شهروندان جمهوری اسلامی با خطوط قرمز هشداردهنده و قداستی که برای مقامات عالیرتبه حکومتی مقرر شده است، اجازه مؤدبانه‌ترین انتقاد و مطالبه کوچکترین حقوق تضعیف و پایمال شده خود را دارند و می‌توانند از حداقل امنیت و آزادی سیاسی برخوردار باشند؟

۸- حق استیضاح رهبری

علی(ع) بازم در منشور حکومتی خود به مالک اشتر به عنوان زمامدار و والی مصر می‌فرماید:

«اگر ملت گمان ستمی بر تو بردند (تو را استیضاح کردند) عذر خویش را با شفافیت تمام برای آنها بیان کن و بدبینی‌شان را با دلایل و توضیحات آشکار از خود دور ساز. البته در این کار ریاضتی است که به نفع خودت و رفاقت و مدارائی است با ملت و عذری است نزد پروردگار. که اگر هدف تو رشد و برپائی مردم در راه حق باشد در این کار موفق می‌شوی.»

آیا بجز خداوند عزیز و حکیم و علیم که «فعال ما یشاء» است و به مصداق «لایسئل عما یفعل» کسی از او بازخواست نمی‌کند، هیچ بنده‌ای را می‌توان به عرش اعلا و مصونیت از انتقاد برای مطالبه حقوق مشروع و قانونی ملت رساند؟ چرا باید کسانی که مورد انتقاد قرار می‌گیرند آشفته و خشمگین گردند و هر ناله مخالفی را در گلو خفه سازند؟

۹- کدام نظام مقدس است؟

علی(ع) می‌فرماید: من این سخن را به کرات از پیامبر (ص) شنیدم که می‌فرمود:

«هرگز امتی که در آن حق ضعیف بدون لکنت زبان از قوی ستانده نشود پاک شمرده نمی‌شود.»

در جامعه پاک اسلامی باید آنچنان امنیت و آزادی و اقتداری برای توده‌های ملت باشد که بی هیچ بیم و هراسی در برابر زورمندان جامعه بایستند.

آیا عنوان «نظام مقدس» گذاشتن روی نهادهای حاکمیت، مادام که شرط انحصاری پیامبر پاک اسلام تحقق نیافته است ادعا و گزافه نیست؟

علی(ع) به مالک اشتر می‌فرماید:

«برترین آرزوی خوشنودکننده زمامداران باید برپاداشتن عدالت و دادگری در شهرها و آشکار ساختن دوستی ملت باشد. اما دوستی مردم آشکار نمی‌گردد مگر به سلامت سینه‌های آنها و خیرخواه بودنشان (نسبت به حاکمان) و حمایت از آنان و سنگین نشمردن حکومتشان بر دوش خویش و انتظار نداشتن به سر رسیدن مدت حکومت آنان.»

آیا سینه‌های ملت مظلوم ما مسرور از عملکرد حاکمان و پشت آنها سبکبار از تحمیل‌های آنان و انتظارشان دوام مدت حکومت آنهاست؟

علی(ع) با برحذر داشتن مالک اشتر از سرکوب و خون به ناحق ریختن، که مؤثرترین عامل برای زوال و تبدیل نعمت به محرومیت و مهمترین کیفر و بازخواست الهی است، می‌فرماید:

«مبادا پایه‌های سلطه خویش را با خونریزی حرام تقویت کنی که این کار مؤثرترین عامل در تضعیف حکومت و سست کردن پایه‌های قدرت بلکه زائل کردن و انتقال قدرت می‌باشد.» «... فان ذلک مما یضعفه و یوهنه بل یزیله و ینقله.»

از آنجایی که مقام رهبری به فاصله میان «رفتار علوی» با عملکردهای جاری و احساس وظیفه برای اصلاح وضعیت نابسامان و انعطاف در حرکت اعتراف کرده‌اند، امید است این تذکرات موجب تغییر و تحول در سیاست‌ها و عملکردها بشود و رویه‌ای متناسب با شأن «رفتار علوی» اتخاذ گردد.

شگفتی مردم ما از این است که آن چه در سال گذشته و آغاز سال جدید شاهد آن هستند همه از جانب نیروها و نهادها و دادگاههایی است که مستقیماً توسط مقام رهبری منصوب شده‌اند و تحت فرمان ایشان هستند. آیا محافل خاصی در جریان راست افراطی برغم اعلام «سال امام علی(ع)» و «سال رفتار علوی» متعمداً آن چنان در تعارض با رویه‌های شناخته شده امام المتقین علی(ع) عمل می‌کنند تا هم صدا و هم آهنگ با دشمنان جمهوری اسلامی جریان اصلاح‌طلبی را از مسیر مسالمت‌آمیز آن خارج ساخته و آن را به کوره‌راه رادیکالیسم بکشانند؟

حال که امسال سال «رفتار علوی» نامیده شده است خوب است لختی هم به هشدارهای جدی و خطیر آن بزرگوار ببیندیشیم و بکوشیم تا فاصله میان گفتارها و کردارها به حداقل کاهش پیدا کند و در همه حال بدانیم و یقین داشته باشیم که: «ان ربک لبالمصد» «پروردگار تو در کمین است» (فجر- ۱۴)